

فرودگاه فرانکفورت، همسرش را جا می‌گذارد و به همراه فرزندانش فرار می‌کند و به آلمان می‌رود.

در خصوص پذیرفتن ایفای آن باید بگویم که من سال‌ها پیش با حضور کوتاهی که در سریال «دوران سرکشی» داشتم، لذت‌بخش بودن کار کردن با کمال تبریزی را تجربه کردم و در این سال‌ها همیشه دلم می‌خواست که فرصتی پیش بیاید تا دوباره این همکاری اتفاق بیفتد. این اتفاق قسمت نشد تا سریال «سرزمین مادری» که برای فصل سوم آن به من پیشنهاد همکاری شد. البته من برای بازی در نقش دیگری دعوت شده بودم، اما پس از صحبت‌هایی که در مورد آن شد، احساس کردم نقشی است که آن را در اشکال مختلف زیادی در کارنامه کاری‌ام ایفا کرده‌ام و از آن‌جا که همیشه ترجیح می‌دادم نقشی متفاوت است، خواستم که اگر امکان دارد ایفای شخصیت دیگری را به من بسپارند تا بتوانم متفاوت از قبل، بازی کنم. اغلب نقش‌ها مربوط به فصل‌های پیش سریال بودند و تنها نقش خوب دیگر این فصل شخصیت «فلور» بود که خوشبختانه کارگردان خیلی راحت پذیرفت و این اتفاق رقم خورد.

به‌جز ایفای نقش متفاوت، چه تفاوت‌های دیگری را در «سرزمین مادری» تجربه کردید؟

من تقریباً یک ماه در خدمت گروه «سرزمین مادری» بودم و برایم تجربه‌ای بسیار خوشایند، پر از آرامش و حال خوب بود و می‌دانم تمام افرادی که با کمال تبریزی کار می‌کنند، این تجربه را دارند که چه‌قدر همکاری با او پر از حس خوب است. با این‌که کارگردان‌ها خیلی اوقات تحت تاثیر عوامل مختلف، سختی‌ها و مشکلاتی که در طول کار به وجود می‌آید، عصبی و به‌هم ریخته می‌شوند اما او در تمام مدت با آرامش، خونسردی، لبخند و با حس خوب کار را پیش می‌برد و این نکته خیلی مهمی است، چون احساس کارگردان چه در حالت خشم باشد چه آرامش، ناخودآگاه به همه عوامل منتقل می‌شود. چه در کاری که دارد جلوی دوربین انجام می‌شود و چه کاری که پشت دوربین انجام می‌شود، مستقیم روی هر دو تاثیر گذار است و بالطبع روی نتیجه کار هم همین اثر را خواهد گذاشت.

از دیگر تفاوت‌های این تجربه که آن هم باز بر می‌گردد به شیوه کارگردانی کمال تبریزی، تعامل بسیار خوبی بود که به واسطه نوع مدیریت او، بین کارگردان و بازیگر وجود داشت. مثلاً او برخلاف خیلی از کارگردان‌ها که اگر تذکر یا نکته‌ای دارند، از همان جایی که نشسته‌اند و با صدایی بلند خطاب به بازیگر مقابل دوربین صحبت می‌کنند؛ هیچ‌وقت هیچ نکته‌ای را در جمع و با صدای بلند نمی‌گوید. هر زمان که صحبتی در جهت هدایت بازیگر دارد یا می‌خواهد نکته‌ای را به او یادآوری کند، در گوشه‌های آرام با او صحبت می‌کند. حتی تحلیل و



من سال‌ها پیش با حضور کوتاهی که در سریال «دوران سرکشی» داشتم، لذت‌بخش بودن کار کردن با کمال تبریزی را تجربه کردم و در این سال‌ها همیشه دلم می‌خواست که فرصتی پیش بیاید تا دوباره این همکاری اتفاق بیفتد. این اتفاق قسمت نشد تا سریال «سرزمین مادری» که برای فصل سوم آن به من پیشنهاد همکاری شد. البته من برای بازی در نقش دیگری دعوت شده بودم

بازیگر فصل سوم

لیلا برخورداری با اشاره به یک دهه توقیف سریال «سرزمین مادری»:

ذوق و شوقم را هنگام پخش سریال از دست داده بودم



فصل سوم سرزمین مادری ماجراهای میان‌سال‌های رهی است و تا روز شروع جنگ را در برمی‌گیرد. در فصل سوم «سرزمین مادری»، زمان وقوع اتفاقات سریال به سال‌های ۵۶ و ۵۷ می‌رسد و داستان وارد مرحله میان‌سال‌های رهی می‌شود و به همین جهت آرش مجیدی جایگزین شهاب حسینی شده که باز یگر نقش دوره جوانی این شخصیت بوده است. شهاب حسینی نیز در فصل دوم جایگزین علی شادمان بازیگر نقش دوران کودکی رهی شده بود. لیلا برخورداری در گفتگو با ماهنامه صبا درباره نقش خود در این سریال، سال‌های توقیف بودن آن، تجربه بازیگری و همچنین انتخاب نقش‌ها سخن گفته است که می‌خوانید.

از نقشی که در «سرزمین مادری» داشتید برایمان بگویید و این‌که با توجه به گذشته کار بودن تان، چه شد که ایفای این نقش را پذیرفتید؟

در فصل سوم سریال «سرزمین مادری» ایفاگر نقش «فلور» همسر دوم بهمن بهادری بودم. شخصیتی که از یک خانواده فرهیخته

و ثروتمند آمده، بین تعهداتش به‌عنوان یک پزشک و عقاید و اعتقادات خانواده همسرش گیر کرده و علی‌رغم این‌که خانواده همسرش طرفدار رژیم هستند به انقلابیون کمک کرده و زخمی‌های انقلابی را در بیمارستانش درمان می‌کند. در نهایت هم تصمیم می‌گیرد که هرطور شده از همسرش جدا شود. به همین دلیل در